

The Effects of Electoral Cycles on Corruption in Selected Countries

Abolfazl Shahabadi¹

a.shahabadi@alzahra.ac.ir

Roghayeh Pouran²

r.pouran@alzahra.ac.ir

Ali Moradi³

Ali Borjalizadeh⁴

Received: 16/Aug/2022 | Accepted: 22/Feb/2023

Abstract The destructive effects of corruption on the economic, social, and political development of countries have invigorated numerous studies to identify the determinants of corruption and to attempt to provide strategies to fight and control this issue. Accordingly, the present study attempts to estimate the impact of electoral cycles (including election year, government's ideology, coalition, and minority government) on corruption in two groups of selected democratic countries during the period 2003-2018 using panel data and the generalized moment models (GMM) method. The first group includes the countries with a positive average of the democracy index for the period under review, and the second group consists of countries with a negative average. The results showed that the effect of the election year on corruption in the second group countries was positive and significant, but in the first group, it was negative and significant. The effect of the government's ideology on corruption in the second group countries is positive and meaningful and in the first group countries, it has been meaningless. The influence of the coalition and the minority government on corruption in both groups is negative and meaningful. Also, the effect of control variables including per capita income, E-government, and democracy on corruption in both groups of selected countries has been positive and meaningful. However, the impact of natural resource rents on corruption in the second group countries has been positive and meaningful, whereas it was meaningless for the first group countries.

Keywords: Corruption, Electoral Cycles, Coalition, Minority Government, Democracy.

JEL Classification: D72, D73, O38.

1. Professor, Department of Economics, Faculty of Social Science and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
2. Postdoctoral Economics, Department of Economics, Faculty of Social Science and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran.
3. M.A. in Economics, Arak Branch, Islamic Azad University, Central Province, Iran.
4. M.A. in Public Administration, Department of Management, E-Campus Branch, Islamic Azad University, Iran.

تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر فساد در کشورهای منتخب

a.shahabadi@alzahra.ac.ir |

ابوالفضل شاه‌آبادی

استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

r.pouran@alzahra.ac.ir |

رقیه پوران

پسادکتری اقتصاد، گروه اقتصاد دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

علی مرادی

دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، استان مرکزی، ایران

علی برجعلی‌زاده

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، گروه مدیریت، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

مقاله پژوهشی

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۳

دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

چکیده: آثار مخرب فساد بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورها سبب شده است که شناسایی تعیین‌کننده‌های فساد و ارائه راهکار برای مبارزه و کنترل آن، موضوع مطالعات داخلی و خارجی فراوانی قرار بگیرد. در این راستا، پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های تابلویی و به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته، تأثیر چرخه‌های انتخاباتی (شامل سال انتخابات، ایدئولوژی دولت، ائتلاف، و دولت اقلیت) بر فساد را در دو گروه از کشورهای دموکراتیک منتخب طی دوره ۲۰۰۳-۲۰۱۸ برآورد نموده است. گروه اول، کشورهای دارای میانگین مثبت شاخص دموکراسی طی دوره مورد بررسی و گروه دوم، کشورهای دارای میانگین منفی است. نتایج برآورد مدل نشان داده است که تأثیر سال انتخابات بر فساد در کشورهای گروه دوم مثبت و معنادار و در کشورهای گروه اول منفی و معنادار است. تأثیر ایدئولوژی دولت بر فساد در کشورهای گروه دوم مثبت و معنادار و در کشورهای گروه اول فاقد معناداری آماری است. تأثیر ائتلاف و دولت اقلیت نیز بر فساد در هر دو گروه از کشورهای منتخب منفی و معنادار بوده است. همچنین، تأثیر متغیرهای کنترل شامل درآمد سرانه، دولت الکترونیک و دموکراسی بر فساد در هر دو گروه از کشورهای منتخب مثبت و معنادار بوده است، اما تأثیر رانت منابع طبیعی بر فساد در کشورهای گروه دوم مثبت و معنادار و در کشورهای گروه اول فاقد معناداری آماری بوده است.

کلیدواژه‌ها: فساد، چرخه‌های انتخاباتی، ائتلاف، دولت اقلیت، دموکراسی.

طبقه‌بندی JEL: D72, D73, O38

مقدمه

همواره از فساد^۱ به عنوان پدیده‌ای پیچیده با ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یاد شده است. رواج سطح بالای فساد سبب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی، کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود و قطعاً سطح توسعه‌یافتگی جوامع را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

افزایش فساد، فعالیت‌های اقتصادی را از شکل مولد خارج می‌کند و به سوی فعالیت‌های غیرقانونی و زیرزمینی سوق می‌دهد که به ایجاد مافیا منجر می‌گردد. فساد، انگیزهٔ نخبگان را برای ابداع و نوآوری تقلیل می‌دهد و با هدایت آن‌ها به سمت فعالیت‌های رانت‌جویانه و توزیعی، جامعه را از ظرفیت‌های موجود محروم می‌کند و سبب انحراف استعدادهای می‌شود (**دل‌انگیزان و همکاران، ۱۳۹۲**). از این‌رو، شناسایی عوامل موثر بر فساد و اقدام در جهت کاهش آن ضروری است.

از سویی، شواهد تجربی نشان داده است که تاثیر دموکراسی بر فساد در کشورهای مختلف متفاوت و گاه متناقض است، به‌گونه‌ای که برخی نتیجه گرفته‌اند در نظام‌های دموکراتیک فساد کم‌تری وجود دارد (**Kotera et al., 2010; Krause & Méndez, 2009**). پاره‌ای معتقدند دموکراسی بر میزان فساد بی‌تاثیر است و سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی و سیستم قانونی و انتخاباتی کشورها تعیین‌کنندهٔ میزان فساد است (**Kumara & Handapangoda, 2014; Churchill et al., 2013**). اما گروهی حتی فراتر رفته و بیان نموده‌اند در کشورهای در حال توسعه با کیفیت نهادی ضعیف، دموکراسی و انتخابات ابزار ضعیفی برای تدوین هنجارهای پاسخگویی سیاسی و کاهش فسادند و علاوه بر آن که فساد را کاهش نمی‌دهند، هنگام تشدید رقابت‌های انتخاباتی بر سطح فساد افزوده نیز می‌شود (**Afridi et al., 2017**). در همین راستا، سازمان شفافیت بین‌المللی نیز تاثیر پاسخگویی عمودی (حق رأی شهروندان) بر کنترل فساد را رد کرده و بر پاسخگویی افقی در کنترل فساد تاکید نموده است (**Warren, 2004**).

نظریهٔ چرخه‌های انتخاباتی^۲ نیز مبین آن است که سیاستمداران حاکم در ایام نزدیک به انتخابات به اتخاذ سیاست‌هایی روی می‌آورند که شانس انتخاب مجدد آن‌ها را بالا ببرد. زیرا عموم سیاستمداران بر این باورند که رفتار رأی‌دهندگان و تصمیم به شرکت یا عدم شرکت در انتخابات از عوامل گوناگون تاثیر می‌پذیرد. اما سهم عوامل نزدیک به ایام انتخابات از دیگر عوامل بیش‌تر است. از این‌رو، نبود قانون اساسی مترقی، مجلس قانون‌گذاری قدرتمند، احزاب سیاسی شناسنامه‌دار و رسانه‌های آزاد^۳

1. Corruption
2. Election Cycles

۳. قانون اساسی، نظام پارلمانی (مجلس)، احزاب سیاسی و مطبوعات آزاد ارکان چهارگانه دموکراسی هستند.

می‌توانند زمینه استفاده سیاستمداران حاکم از منابع عمومی را برای جلب رضایت مردم و افزایش مشارکت آنان در انتخابات و کسب رأی فراهم کنند و در جهت افزایش فساد سوق دهند. اما در صورت وجود انتخابات آزاد و رقابتی و فعالیت رسانه‌های آزاد، حساسیت دولتمردان نسبت به افکار عمومی و احزاب رقیب بالا می‌رود و تخلفات انتخاباتی و فساد، ضمن این‌که می‌تواند شانس کسب آرا در انتخابات را کاهش دهد، پاسخگویی در برابر قانون و مجازات مقامات فاسد را نیز به دنبال دارد. بنابراین، انگیزه فساد در ایام منتهی به انتخابات کاهش می‌یابد (Sandholtz & Koetzle, 2000).

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، شناسایی تعیین‌کننده‌های فساد موضوع مطالعات متعددی در داخل (Karimi et al., 2018; Motefaker Azad et al., 2014) و خارج از کشور (Jetter et al., 2015) بوده است. از طرف دیگر، کامارا و هاندانپانگودا (۲۰۱۴)، چارچیل و همکاران (۲۰۱۳)، فراز و فینان (۲۰۱۱)، کراوس و مندز (۲۰۰۹)، و شاه‌آبادی و همکاران (۲۰۱۷؛ ۲۰۲۱) نقش چرخه‌های انتخاباتی را بر مولفه‌های مختلف ارزیابی کرده‌اند. اگرچه در این مطالعات، بررسی اثر دموکراسی بر فساد مغفول نمانده است، اما تعیین اثر ابعاد مختلف انتخابات مانند سال برگزاری انتخابات، ایدئولوژی احزاب، ائتلاف احزاب برای تشکیل دولت، و جایگاه حزب حاکم در پارلمان بر فساد در مطالعات داخلی به عنوان شکاف مطرح است. بنابراین، سهم پژوهش حاضر در پر کردن این شکاف، بررسی اثر چرخه‌های انتخاباتی در کنار عوامل مختلف اثرگذار بر فساد در کشورهای منتخب دموکراتیک و ارائه نتایج تحلیلی در این زمینه است.

در این راستا، پژوهش حاضر با هدف رفع شکاف مطالعاتی فوق، به این صورت ساماندهی شده است: در ادامه، ضمن مروری بر ادبیات نظری و تجربی به ارائه مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است. سپس، به منظور برآورد مدل از شاخص چرخه‌های انتخاباتی به عنوان متغیر کلیدی استفاده شده است و شامل چهار زیرشاخص سال انتخابات، ایدئولوژی دولت، ائتلاف، و دولت اقلیت است. همچنین، از شاخص ادراک فساد^۲ منتشرشده توسط سازمان شفافیت بین‌المللی به عنوان جایگزین فساد استفاده شده است. در نهایت، با استفاده از نتایج برآورد مدل در کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۱۸-۲۰۰۳ توصیه‌های سیاستی مربوطه ارائه شده است.

1. Ferraz & Finan
2. Corruptions Perception Index (CPI)

مبانی نظری پژوهش

فساد در لغت به معنای تباهی، خرابی، آشوب، بدهکاری و ظلم است (معین، ۱۳۸۵). در فرهنگ لغت آکسفورد، فساد به معنای رفتار متقلبانه و غیرقانونی افراد و به‌طور خاص، ماموران دولتی تعریف شده است.^۱ رایج‌ترین تعریف از فساد توسط بانک جهانی و سازمان غیردولتی شفافیت بین‌المللی^۲ ارائه شده است که فساد را به معنای سوء استفاده از موقعیت دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (شخصی، حزبی، طبقاتی و...) تعریف نموده‌اند (Transparency International, 2012). فساد در عمل به اشکال رشوه، اختلاس، دزدی، اخاذی، سوء استفاده از رأی دیگران و بهره‌برداری از منافع متضاد و مشارکت سیاسی نامناسب بروز می‌یابد (Motefaker Azad et al., 2014).

عوامل تعیین‌کننده فساد

به‌طور کلی، عوامل موثر بر فساد ذیل دو دسته عوامل اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم‌پذیر هستند.

عوامل اقتصادی

متغیرهای اقتصادی متعددی به عنوان عوامل موثر بر فساد شناسایی شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

- **درآمد سرانه**^۳: درآمد سرانه پایین زمینه‌ساز فساد است، زیرا در اقتصادهایی با درآمد سرانه پایین، ارزش نهایی پول بیش‌تر از کشورهای مرفه است. بنابراین، درآمدهای حاصل از فساد هر قدر نیز که اندک باشد، مطلوبیت بالایی ایجاد می‌کند و مشاغل دولتی را برای ایجاد مکمل‌های درآمدی غیرقانونی جذاب می‌کند. ضمناً، حقوق نسبتاً پایین کارکنان دولت، گرایش به اخذ رشوه را افزایش می‌دهد (La Porta et al., 1999).

- **تورم**^۴: دیدگاه رایج درباره نحوه اثرگذاری تورم بر فساد این است که افزایش سطح عمومی قیمت‌ها سبب تخریب ارزش‌های اخلاقی^۵ جامعه می‌شود و فرصت‌های بیش‌تری برای بروز رفتارهای

1. https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/american_english/corruption?q=Corruption+
2. International Transparency
3. The Per Capita Income
4. Inflation
5. Moral Erosion

غیرقانونی و غیراخلاقی نظیر تقلب^۱ و حقه‌بازی^۲ ایجاد می‌کند. زیرا افزایش تورم سبب کاهش سطح دستمزد واقعی و قدرت خرید مردم می‌شود و آنان را در تامین نیازهای اساسی با مشکل مواجه می‌کند. در نتیجه، توسل به روش‌های غیرقانونی نظیر تقلب، اختلاس^۳ و رشوه برای تامین نیازهای اساسی در جامعه گسترش می‌یابد (Braun & Di Tella, 2004).

- **اندازه دولت**^۴: درباره نحوه تأثیر اندازه دولت بر فساد دو دیدگاه متضاد وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران بیان می‌دارند افزایش اندازه دولت (از طریق افزایش مخارج دولتی یا افزایش تعداد شاغلان بخش دولتی) فرصت‌های بیشتری برای رانت‌جویی مهیا می‌کند و سیاستمداران را به سمت فساد بیش‌تر هدایت می‌کند. به عبارتی، با افزایش اندازه دولت، بازده مورد انتظار از فعالیت‌های غیرقانونی افزایش می‌یابد و انگیزه برای انجام فساد به عنوان یکی از فعالیت‌های غیرقانونی بالا می‌رود. اما دیدگاه دوم بیان می‌کند که با افزایش اندازه دولت، سیستم نظارت، کنترل و پاسخگویی آن تقویت می‌شود و دولت می‌تواند فساد سیاستمداران و ماموران دولتی را کشف و مهار کند. به دیگر سخن، در صورتی که افزایش اندازه دولت با افزایش کارایی آن همراه شود، فساد کاهش می‌یابد (Kotera et al., 2010).

- **باز بودن اقتصاد**: ادغام در اقتصاد جهانی — خاصه از طریق تجارت — سبب حذف یا تقلیل مراحل بوروکراتیک کسب‌وکارها نظیر اخذ مجوزها، اخذ پروانه‌ها و... می‌شود که در حکم پاداش خصوصی (رشوه) برای دولتمردان و مالیات برای تولیدکنندگان و واردکنندگان عمل می‌کند. همچنین، در اقتصادهای بسته قیمت کالاهای وارداتی از قیمت بین‌المللی آن‌ها بیش‌تر است که نوعی سود انحصاری برای مقامات رشوه‌گیر محسوب می‌شود (Sandholtz & Koetzle, 2000).

عوامل غیراقتصادی

مهم‌ترین عوامل غیراقتصادی موثر بر فساد عبارتند از:
 - **دموکراسی**^۵: در این باره دو نظریه وجود دارد. نظریه نخست بیان می‌کند که در کشورهای دموکراتیک به دلیل وجود آزادی بیان و مطبوعات، مردم از وقوع فساد مطلع می‌شوند. علاوه بر این، افراد در جریان یک انتخابات آزاد و با رأی مردم به قدرت می‌رسند. در نتیجه، نسبت به افکار عمومی حساس هستند و خود را ملزم به پاسخگویی می‌دانند. بنابراین، دموکراسی در نقش عامل کاهشدهنده

1. Cheating
2. Jugglery
3. Embezzlement
4. Size of Government
5. Democracy

فساد عمل می‌کند. اما نظریهٔ دوم که به نظریه U وارونه موسوم است، بیان می‌کند دموکراسی هرچند مطلوب است، اما ایجاد آن با هزینه همراه است و فرصت‌هایی را نصیب رانت‌خواران در بدنهٔ دولت می‌کند. از این‌رو، در مراحل ابتدایی دموکراسی فساد افزایش و با تثبیت آن، فساد کاهش می‌یابد (Jetter et al., 2015).

- **آزادی رسانه‌ها**^۱: وجود درجهٔ معینی از آزادی رسانه‌ها در کشور از طریق سه مولفهٔ شفافیت، سرعت و استقلال، فرایند نظارت بر رفتار سیاستمداران و بوروکرات‌ها را تقویت می‌کند و به کاهش فساد منجر می‌گردد (Kalenborn & Lessmann, 2013).

- **آموزش**^۲: دربارهٔ تاثیر آموزش بر فساد نیز دو احتمال وجود دارد. نخست این‌که با افزایش سطح آموزش، ستانده افزایش می‌یابد و دسترسی به رانت بیش‌تر می‌شود و به گسترش فساد می‌انجامد. به علاوه، گسترش آموزش توانایی رأی‌دهندگان را در تشخیص رفتار فاسد و سیاستمداران فاسد افزایش می‌دهد و به کاهش فساد منجر می‌شود (Eicher et al., 2009).

- **اندازه کشور**: بین اندازه جغرافیایی و جمعیت با فساد رابطه مثبت وجود دارد. زیرا در کشورهای پرجمعیت و وسیع به لحاظ جغرافیایی، زمان بیش‌تری برای کنترل فساد لازم است. همچنین، ایجاد اصلاحات جامع و فراگیر که بتواند فساد را بهتر کنترل نماید، در کشورهای بزرگ سخت‌تر است (Goel & Budak, 2006).

- **چرخه‌های انتخاباتی**: شاخه‌ای از نظریه انتخاب عمومی، چرخه‌های انتخاباتی است که در دهه ۱۹۵۰ با انتشار کتاب آرو^۳ (۱۹۵۱) و مقالات متعدد در مجلات سیاسی و اقتصادی ظهور یافت و بعد از اخذ جایزه نوبل توسط بوکانان^۴ در سال ۱۹۸۶ مورد توجه ویژه قرار گرفت. چرخه‌های انتخاباتی تلاش می‌کنند رفتار بخشی از مسئولان دولتی را که از طریق موضع‌گیری در حوزه اقتصاد به دنبال پیروزی مجدد در انتخابات بوده‌اند، شرح دهد. شکل‌گیری آن به نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد که تلاش دارد مبانی رفتار متقابل رأی‌دهندگان و دولتمردان، پیرامون انتخابات پی‌ریزی گردد. تلاش در این خصوص به ظهور دو رویکرد کلی منجر گردیده است. رویکرد اول مدل فرصت‌طلبی^۵ **نوردهاوس** (۱۹۷۵) است که به بررسی رفتار دولتمردان می‌پردازد و سعی دارد از

1. Press Freedom
2. Education
3. Arrow
4. Buchanan
5. Opportunistic Model
6. Nordhaus

طریق تحریک متغیرهای اقتصادی، رأی‌دهندگان را متقاعد کند که به انتخاب مجدد آن‌ها رأی دهند. رویکرد دوم، مدل پارتیزانی^۱ هیبس^۲ (۱۹۷۷) است که تلاش دارد با تفکیک دولتمردان به دو حزب چپ‌گرا و راست‌گرا، رفتار آنان را برای انتخاب مجدد بررسی نماید.

مطالعات تجربی نیز بیانگر تاثیرگذاری چرخه‌های انتخاباتی بر متغیر فساد در کنار عوامل اقتصادی است.

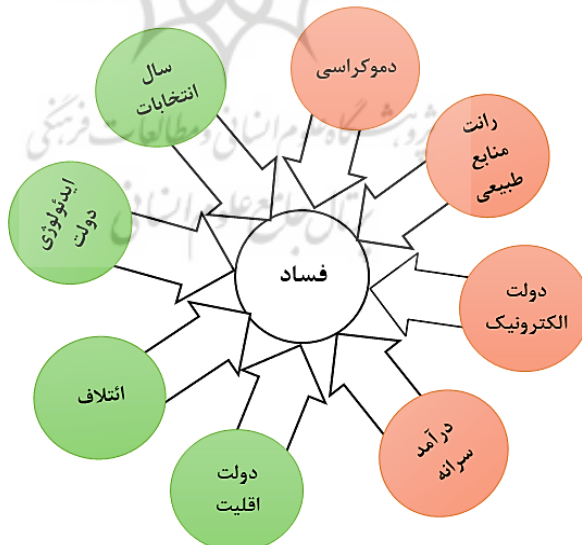
آویز^۳ و همکاران (۲۰۱۸)، تاثیر حاکمیت دولت و حسابرسی منابع عمومی بر کاهش فساد در برزیل را بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که حسابرسی منابع مالی در اختیار شهرداران به کاهش ۸ درصدی فساد در آینده منجر می‌شود. همچنین، افزایش حسابرسی منابع عمومی هزینه‌های غیرانتخاباتی مشارکت در فساد را افزایش می‌دهد. **آفریدی و همکاران (۲۰۱۷)**، با استفاده از داده‌های تابلویی رابطه بین رقابت انتخاباتی و فساد را در سطح روستاهای ایالت آندرا پرادش^۴ هندوستان طی دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۶ بررسی کرده‌اند. آن‌ها نتیجه گرفتند در کشورهای در حال توسعه با کیفیت نهادی ضعیف، نظام انتخاباتی ابزاری ضعیف برای تدوین هنجارهای پاسخگویی سیاسی و کاهش فساد است، به گونه‌ای که نه تنها فساد را کاهش نمی‌دهد، بلکه تشدید در برخی از شرایط به افزایش فساد نیز می‌انجامد. **لاپا و لازار^۵ (۲۰۱۵)**، رابطه بین فساد و دولت الکترونیک را در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و غیرعضو اتحادیه اروپا بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد افزایش استفاده از دولت الکترونیک فساد را کاهش می‌دهد. به‌طور خاص، افزایش ۱ درصدی شاخص دولت الکترونیک فساد در کشورهای اتحادیه اروپا با ضریب ۶/۷ درصد و در کشورهای غیرعضو اتحادیه اروپا با ضریب ۶/۳ درصد موجب کاهش فساد شده است. **کامارا و هانداپانگودا (۲۰۱۴)**، تاثیر محیط سیاسی بر سطح فساد را با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات دومرحله‌ای در ۱۲۱ کشور بررسی کرده‌اند. نتایج نشان دادند درجه بالاتر از حاکمیت قانون، آزادی مطبوعات، آمادگی و ظرفیت اداره امور الکترونیکی و درجه شهرنشینی با سطح پایین‌تر از فساد اداری ارتباط دارند. **چارچیل و همکاران (۲۰۱۳)**، در پژوهشی بین‌کشوری به تعیین عوامل موثر بر فساد پرداخته‌اند. نتایج نشان داد متغیرهای باز بودن اقتصاد، درجه شهرنشینی و تنوع قومی موجب افزایش فساد و متغیرهای آزادی اقتصادی، آزادی مطبوعات و ثبات سیاسی موجب کاهش فساد شده است. همچنین، تاثیر متغیرهای نسبت بودجه عمومی و کل به تولید ناخالص داخلی، نسبت صادرات منابع طبیعی از کل صادرات، دموکراسی و کیفیت قوانین و مقررات بر فساد فاقد

1. Partisan Model
2. Hibbs
3. Avis
4. Andhra Pradesh
5. Lupu & Lazăr

معناداری آماری بوده است. **فراس و فینان (۲۰۱۱)**، تاثیر پاسخگویی انتخاباتی بر رویه‌های فساد را با استفاده از حسابرسی فساد در دولت‌های محلی برزیل بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد شهرداران دارای انگیزه انتخاب مجدد، ۲۷ درصد کم‌تر از شهرداران بی‌انگیزه، منابع نامناسب کسب کرده‌اند. همچنین، یافته‌های آن‌ها نشان داد قوانین انتخاباتی که پاسخگویی سیاسی را به دنبال داشت، نقش مهمی در محدود کردن رفتار فاسد سیاستمداران بازی می‌کند. نتایج **کراوس و مندز (۲۰۰۹)**، نشان داد فساد اداری دولتی به‌طور معناداری توسط رأی‌دهندگان مجازات می‌شود. به علاوه، یافته‌های آن‌ها از این ایده حمایت نمود که نوع نظام سیاسی در واکنش رأی‌دهندگان به فساد تعیین‌کننده است، به‌گونه‌ای که در کشورهایی با نظام پارلمانی و کم‌توسعه از نظر دموکراسی، واکنش رأی‌دهندگان به افزایش فساد اداری منفی و در کشورهایی با نظام ریاستی و دارای دموکراسی بالغ، چندان موثر نیست.

مرادی و همکاران (۲۰۱۸)، به بررسی تاثیر شاخص‌های حکمرانی بر کنترل فساد در کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ پرداخته‌اند. نتایج نشان داد در کشورهای خاورمیانه، متغیر کیفیت قوانین و مقررات بر کنترل فساد تاثیر مثبت و معنادار و متغیر اثربخشی دولت بر کنترل فساد اثر منفی و معنادار داشته‌اند. در کشورهای جنوب شرق آسیا، متغیرهای ثابت سیاسی، حاکمیت قانون و حق اظهار نظر و پاسخگویی بر کنترل فساد تاثیر مثبت و معناداری داشته‌اند. **فیض‌پور و رضائی (۲۰۱۸)**، تجارب جهانی را در رابطه بین اندازه دولت و فساد در دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۲ و ۲۰۱۳-۲۰۰۹ بررسی کرده‌اند. برای این منظور، اندازه دولت با دو معیار نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی و تعداد شاغلان دولتی محاسبه شده و برای تبیین شاخص فساد از شاخص درک فساد استفاده گردیده است. نتایج نشان داد تاثیر اندازه دولت بر شاخص فساد به سطح توسعه کشورها بستگی دارد و افزایش اندازه دولت در کشورهای در حال توسعه زمینه را برای فساد فراهم می‌کند. **حیدری و همکاران (۱۳۹۴)**، تاثیر اندازه دولت و دموکراسی بر فساد را در کشورهای عضو اوپک طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۹۶ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داده است اندازه دولت و دموکراسی به‌ترتیب موجب افزایش و کاهش فساد می‌شود. **مهرگان و همکاران (۲۰۱۵)**، تاثیر شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فساد اداری کشورهایی با درآمد متوسط را طی دوره ۲۰۱۳-۲۰۰۷ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد با افزایش شاخص کل توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و زیرشاخص‌های دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات فساد اداری در کشورهای منتخب کاهش یافته است، اما اثر زیرشاخص مهارت استفاده از فناوری اطلاعات بر سطح فساد اداری منفی بوده است. متغیرهای کنترلی درآمد سرانه و دموکراسی نیز بر سطح فساد اداری تاثیر منفی داشته‌اند. **تقی‌نژاد**

عمران و همکاران (۲۰۱۵)، تاثیر جهانی شدن بر کاهش فساد اداری را در کشورهای منطقه مناطی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۵ بررسی کرده‌اند. نتایج نشان داد تاثیر جهانی شدن بر ادراک فساد (کاهش فساد اداری) در کشورهای مورد مطالعه منفی و معنادار است. به علاوه، شاخص توسعه اقتصادی، حقوق مالکیت، دموکراسی و سرمایه انسانی اثر مثبت و معنادار و تورم، شاخص جمعیت و نرخ پس‌انداز اثر منفی و معناداری بر ادراک فساد (کاهش فساد اداری) داشته‌اند. همچنین، **کریمی پتانلار و همکاران (۲۰۱۸)** اثر اشتغال زنان، **قاهر دوست و همکاران (۱۳۹۴)** اثر افزایش حقوق و دستمزد، **متفکر آزاد و همکاران (۲۰۱۴)** اثر دولت الکترونیک، و **حسینمردی (۱۳۹۰)** اثر جنسیت بر فساد را بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از پژوهش‌های مذکور نشان می‌دهد، تاثیر متغیرهای سهم نسبی اشتغال زنان از اشتغال بخش عمومی، استقلال بانک مرکزی، سطح دستمزد، دولت الکترونیک و افزایش مشارکت زنان در بازار کار و مجلس قانون‌گذاری بر فساد منفی بوده است. به عبارت دیگر، بهبود در هر یک از متغیرهای فوق موجب کاهش فساد شده است. در نهایت، مدل مفهومی پژوهش حاضر متأثر از ادبیات به صورت **شکل (۱)** ترسیم شده است. به بیان دیگر، در این پژوهش نقش رانت منابع طبیعی، دولت الکترونیک، درآمد سرانه، دموکراسی، سال انتخابات، ایدئولوژی دولت، ائتلاف، دولت اقلیت و دولت اکثریت بر فساد تعیین‌کننده‌های فساد مورد بررسی قرار گرفته شده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

مدل پژوهش

به منظور برآورد تاثیر چرخه‌های انتخاباتی بر فساد در کشورهای منتخب، از تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. برای برآورد مدل مفهومی پژوهش، فرم تابعی لگاریتمی در قالب رابطه (۱) در نظر گرفته شده است:

(۱)

$$LCPI_{it} = \beta_0 + \beta_1 LCPI_{it-1} + \beta_2 LEY_{it} + \beta_3 LGI_{it} + \beta_4 LCOAL_{it} + \beta_5 LMG_{it} + \beta_6 LPCI_{it} + \beta_7 LEG_{it} + \beta_8 LNRR_{it} + \beta_9 LDEMO_{it} + U_{it}$$

در رابطه (۱)، اندیس t معرف زمان، اندیس i معرف کشورهای منتخب و CPI_{it} شاخص ادراک فساد است که جایگزین فساد در کشورهای منتخب شده است. CPI_{it-1} شاخص ادراک فساد (متغیر وابسته باوقفه) یک دوره قبل است.

متغیر کلیدی پژوهش حاضر چرخه‌های انتخاباتی است و از چهار شاخص سال انتخابات، ائتلاف، دولت اقلیت، و ایدئولوژی دولت (راست‌گرا یا چپ‌گرایی دولت) تشکیل شده است. این متغیرها به پیروی از مطالعات آفریدی و همکاران (۲۰۱۷)، کامارا و هاندایانگودا (۲۰۱۴)، چارچیل و همکاران (۲۰۱۳)، فراس و فینان (۲۰۱۱)، کراوس و مندز (۲۰۰۹)، و شاه‌آبادی و همکاران (۲۰۱۷؛ ۲۰۲۱) انتخاب شده‌اند و مطابق سازوکار ذکر شده در ادبیات موضوع، انتظار می‌رود بر فساد در کشورهای منتخب تاثیر داشته باشند.

سال انتخابات (EY_{it}^2)، متغیر مجازی است و به کمک معادله (۲) مطابق شاخص فرانس^۱ (۲۰۰۰) محاسبه گردیده است. در این رابطه، d روز انتخابات، m ماه انتخابات و D تعداد روزهای ماه انتخابات است.

$$Elrction_{it} = \frac{d/D + (m - 1)}{12} \quad (۲)$$

شاخص سال انتخابات در سال برگزاری انتخابات ارزش یک و در سال‌های عدم برگزاری انتخابات، ارزش صفر می‌پذیرد.

طبق شاخص پوترافکه^۲ (۲۰۰۹)، و بر اساس مطالعه بودج و همکاران^۳ (۱۹۹۳)، ایدئولوژی دولت (GI_{it}^4) محاسبه شده است. این شاخص به دولت‌های چپ‌گرا و راست‌گرا ارزشی بین ۱ تا ۵ می‌دهد.

1. Franzese
2. Potrafke
3. Budge
4. Government Ideology

به این صورت که با تصاحب بیش از دوسوم کل کرسی‌های مجلس توسط احزاب چپ‌گرا، ارزش ۵، با تصاحب بین یک‌سوم تا دوسوم کل کرسی‌های مجلس توسط احزاب چپ‌گرا، ارزش ۴، با عدم تصاحب اکثریت کرسی‌های مجلس توسط هیچ یک از احزاب چپ‌گرا و راست‌گرا (اکثریت مجلس با احزاب میانه‌رو)، ارزش ۳، با تصاحب بین یک‌سوم تا دوسوم کل کرسی‌های مجلس توسط احزاب راست‌گرا، ارزش ۲ و با تصاحب بیش از دوسوم کل کرسی‌های مجلس توسط احزاب راست‌گرا، ارزش ۱ به خود می‌گیرد.

متغیر مجازی دیگری که مورد استفاده قرار گرفته است مربوط به ائتلاف (COAL_{it})^۱ است. در صورت عدم ائتلاف احزاب عدد صفر و ائتلاف دو یا چند حزب در انتخابات عدد یک می‌پذیرد. دولت اقلیت (MG_{it})^۲، نیز به صورت متغیر مجازی وارد معادله فساد شده است. تصاحب کم‌تر از ۵۰ درصد کل کرسی‌های مجلس توسط حزب حامی دولت، ارزش یک و با تصاحب اکثریت (۵۰ + ۱ درصد) کرسی‌های مجلس توسط حزب حامی دولت، ارزش صفر می‌پذیرد. سایر متغیرهای تعیین‌کننده فساد بر اساس مبانی نظری و به پیروی از مطالعات تجربی به شرح زیر است:

درآمد سرانه (PCI)^۳، بر اساس گزارش سال ۲۰۱۶ پایگاه داده دولت الکترونیک سازمان ملل^۴ و مهرگان و همکاران (۲۰۱۵) انتخاب شده است و انتظار می‌رود بر سطح فساد تأثیر منفی داشته باشد. زیرا افزایش درآمد سرانه با تامین حداقل‌های رفاهی همراه است و انگیزه سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی را از بین می‌برد و موجب کاهش فساد می‌گردد. دولت الکترونیک (EG)^۵، بر اساس مطالعات لاپا و لازار (۲۰۱۵)، کامارا و هاندانگودا (۲۰۱۴)، و متفکر آزاد و همکاران (۲۰۱۴) انتخاب شده است و انتظار می‌رود بر فساد تأثیر منفی داشته باشد. زیرا بهبود دولت الکترونیک باعث شفافیت بیشتر، دسترسی آسان و کم‌هزینه شهروندان به اطلاعات، و کاهش نامتقارنی اطلاعات در جامعه می‌شود.

رانت منابع طبیعی (NRR)^۶، بر اساس مطالعات آرزکی و بروکنر^۷ (۲۰۱۱)، بولته و دامانیا^۸

1. Coalition
2. Minority Government
3. Per Capita Income
4. <https://publicadministration.un.org/egovkb/en-us/Reports/UN-E-Government-Survey-2016>
5. Electronic Government
6. Natural Resource Rents
7. Arezki & Brückner
8. Bulte & Damania

(۲۰۰۸)، لایت و ویدمن^۱ (۱۹۹۹)، و آدز و تی‌لا^۲ (۱۹۹۹) انتخاب شده است که انتظار می‌رود بر فساد تاثیر مثبت داشته باشد. زیرا افزایش ذخایر منابع طبیعی، رقابت برای تصاحب سهم بیش‌تر از آن را افزایش می‌دهد و زمینه را برای فعالیت بیش‌تر افراد و شرکت‌های رشوه‌دهنده و کارکنان دولتی رشوه‌گیرنده افزایش می‌دهد که به گسترش فساد می‌انجامد. همچنین، افزایش موجودی منابع طبیعی در کشور باعث می‌شود که دولت‌ها مزادهای زیادی به‌دست آورند که توزیع این منابع مزاد به نرخ‌های ترجیحی می‌تواند فساد را افزایش دهد.

شاخص دموکراسی (DEMO)، بر اساس مطالعات چتر و همکاران (۲۰۱۵)، کالن برن و لسمن (۲۰۱۳)، چارچیل و همکاران (۲۰۱۳)، و کراوس و مندز (۲۰۰۹) انتخاب شده است و می‌تواند بر فساد تاثیر منفی یا مثبت داشته باشد. زیرا بهبود دموکراسی با افزایش آزادی بیان و مطبوعات همراه است و احتمال آگاهی مردم از وقوع فساد را افزایش می‌دهد و با توجه به حساسیت افکار عمومی به فساد، دولتمردان سعی می‌کنند برای افزایش شانس پیروزی خود در انتخابات از انجام فساد خودداری کنند و برای کاهش آن در بدنه دولت نیز اقدام نمایند. از سویی، ایجاد دموکراسی با هزینه‌هایی همراه است و فرصت‌هایی را نصیب رانت‌خواران در بدنه دولت می‌کند. پس در مراحل ابتدایی دموکراسی، فساد افزایش می‌یابد و با توسعه آن، فساد کاهنده می‌شود. در این پژوهش، از شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی منتشرشده توسط بانک جهانی ذیل شاخص‌های حکمرانی خوب به عنوان جایگزین دموکراسی استفاده شده است.

نمونه آماری پژوهش مشتمل بر دو گروه از کشورهای برخوردار از نظام سیاسی دموکراتیک بر اساس شاخص «حق اظهار نظر و پاسخگویی»^۳ موسوم به «شاخص دموکراسی» است. این شاخص ادراکی توانایی شهروندان کشور را در زمینه انتخاب حکومت، آزادی بیان، آزادی مشارکت و آزادی رسانه رصد می‌کند و به نوعی معرف سطح توسعه سیاسی کشورهاست. به علاوه، در بازه ۲/۵+ تا ۲/۵- کمی‌سازی شده است و هر اندازه مقدار شاخص بزرگ‌تر و به ۲/۵+ نزدیک‌تر باشد، به معنای وجود سطح بالاتری از حق اظهار نظر و پاسخگویی و بالتبع، دموکراسی و توسعه سیاسی بیش‌تر است. در این پژوهش، دو گروه از کشورها انتخاب شده‌اند و مدل (۷) برای هر یک از آنها به‌طور مستقل برآورد شده است. گروه اول شامل ۱۴ کشور دارای میانگین مثبت شاخص دموکراسی طی دوره مورد

1. Leite & Weidmann
2. Ades & Di Tella
3. Voice and Accountability

بررسی است^۱ و گروه دوم ۱۴ کشور با میانگین منفی شاخص دموکراسی است^۲. همچنین، دوره مورد بررسی پژوهش سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۰۳ است و منابع آماری داده‌های متغیرهای پژوهش در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: منبع آماری داده‌های متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	نام متغیر	منبع آماری	نشانی اینترنتی
وابسته	فساد	سازمان شفافیت بین‌الملل	www.transparency.org
کلیدی	سال انتخابات	پایگاه راهنمای انتخابات، تقویم	www.Electionguide.org
	ایدئولوژی دولت	انتخابات، دانشنامه ویکی‌پدیا و داده‌های انتخابات	www.ndi.org www.wikipedia.org www.nsd.uib.no
کنترل	درآمد سرانه	پایگاه بانک جهانی	www.data.worldbank.org
	شاخص دموکراسی		
	رانت منابع طبیعی		
	دولت الکترونیک	پایگاه توسعه دولت الکترونیک سازمان ملل متحد	www.publicadministration.un.org

آزمون مدل

به منظور اطمینان از عدم رگرسیون کاذب ضرورت دارد پیش از تخمین مدل ایستایی متغیرها بررسی شود (Arellano & Bond, 1991). بر اساس نتایج روش لوین، لین و چو^۳ در هر دو حالت کلیه متغیرها ایستا هستند و احتمال کاذب بودن رگرسیون برآوردی منتفی است.

۱. آلمان، آمریکا، اتریش، استرالیا، انگلستان، بلژیک، دانمارک، سوئد، سوئیس، فرانسه، فنلاند، کانادا، نروژ، و هلند.

۲. آذربایجان، اکوادور، اندونزی، اوکراین، ایران، پاکستان، ترکیه، روسیه، کلمبیا، لبنان، مالزی، مراکش، نیجریه، و هندوراس.

3. Levin-Lin-Cho

جدول ۲: نتایج آزمون ایستایی متغیرهای معادله تاثیر چرخه‌های انتخاباتی بر فساد

حالت ۱: کشورهای منتخب در حال توسعه			حالت ۲: کشورهای منتخب توسعه یافته		
متغیر	مقدار بحرانی (۰/۰۵)	احتمال پذیرش صفر نتیجه	مقدار بحرانی (۰/۰۵)	احتمال پذیرش صفر نتیجه	مقدار بحرانی (۰/۰۵)
LCPI _{it}	-۳/۳۱	۰/۰۰	I(0)	-۴/۲۲	۰/۰۰
LEY _{it}	-۴/۷۶	۰/۰۰	I(0)	-۴/۰۷	۰/۰۰
LGI _{it}	-۵/۸۷	۰/۰۰	I(0)	-۵/۶۷	۰۰/۰
LCOAL _{it}	-۵/۶۱	۰/۰۰	I(0)	-۵/۰۱	۰/۰۰
LMG _{it}	-۳/۱۷	۰/۰۰	I(0)	-۳/۹۹	۰۰/۰
LEG _{it}	-۴/۰۸	۰/۰۰	I(0)	-۴/۴۵	۰/۰۰
LNRR _{it}	-۳/۲۸	۰/۰۰	I(0)	-۵/۵۶	۰/۰۰
LDEMO _{it}	-۴/۱۱	۰/۰۰	I(0)	-۴/۷۸	۰/۰۰

با استفاده از آزمون F لیمر، فرضیه H_0 (یکسان بودن عرض از مبدأها) در مقابل فرضیه H_1 (متفاوت بودن عرض از مبدأها) قابلیت ترکیب داده‌ها بررسی گردیده است (Baltagi, 2005). بر اساس نتایج آزمون برای هر دو حالت تخمین (جدول ۳) مقادیر F محاسبه شده بیش‌تر از مقدار جدول است. پس فرضیه صفر رد شده و اثرات گروه پذیرفته شده است. بنابراین، تخمین معادله به صورت داده‌های تابلویی تایید شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون قابلیت تخمین معادله تاثیر چرخه‌های انتخاباتی بر فساد

حالت ۱: کشورهای منتخب در حال توسعه			حالت ۲: کشورهای منتخب توسعه یافته		
آماره F	احتمال	نتیجه	آماره F	احتمال	نتیجه
۷/۸۷	۰/۰۰	داده‌های تابلویی	۹/۰۸	۰/۰۰	داده‌های تابلویی

در این بخش، مدل پژوهش مبنی بر تاثیر چرخه‌های انتخاباتی بر فساد در دو گروه از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته برآورد گردیده که نتایج به شرح جدول (۴) است. بر اساس مقدار آماره سارگان، عدم همبستگی ابزارها با اجزای اخلاص را نمی‌توان رد کرد. پس ابزارهای مورد استفاده در تخمین مدل از اعتبار لازم برخوردار است.

جدول ۴: نتایج برآورد تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر فساد

حالت ۲: کشورهای منتخب توسعه یافته		حالت ۱: کشورهای منتخب در حال توسعه		متغیر وابسته فساد
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	متغیرهای توضیحی
۳/۹۲	۰/۱۸*	۵/۷۶	۰/۳۳*	LCPI (-1)
۲/۸۴	-۰/۰۸**	۴/۵۰	۰/۲۵**	LEYit
۱/۲۶	۰/۰۳	۳/۷۷	۰/۱۷**	LGIit
۲/۳۰	-۰/۰۴**	۲/۴۳	-۰/۰۹**	LCOALit
۲/۰۴	-۰/۰۱**	۲/۱۷	-۰/۰۳**	LMGit
۵/۱۳	-۰/۲۳*	۵/۵۳	-۰/۳۸*	LPCIit
۴/۸۱	-۰/۲۸*	۶/۳۲	-۰/۴۶*	LEGit
۱/۰۲	۰/۰۸	۴/۶۱	۰/۲۶*	LNRRit
۳/۰۴	-۰/۱۴**	۳/۶۷	-۰/۱۹**	LDEMOit
۰/۶۱	۸/۱۲	۰/۵۲	۷/۰۱	Sargan Test
۲۱۰		۲۱۰		Number of obs
۱۴		۱۴		Number of groups
۱۵		۱۵		Obs per group

نکته: نشانه‌های *، ** و *** به ترتیب سطوح معناداری ۱ درصد، ۵ درصد و ۱۰ درصد است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر انتخابات بر فساد است. به این منظور، از شاخص چرخه‌های انتخاباتی مشتمل بر چهار زیرشاخص سال انتخابات، ایدئولوژی دولت، ائتلاف، و دولت اقلیت استفاده شده است.

نتایج برآورد مدل در دو گروه از کشورهای دموکراتیک منتخب (گروه اول، کشورهای دارای میانگین مثبت شاخص دموکراسی و گروه دوم، کشورهای دارای میانگین منفی)، طی دوره ۲۰۱۸-۲۰۰۳ نشان داد که تأثیر سال انتخابات بر فساد در کشورهای منتخب گروه دوم مثبت و معنادار است که با نتیجه مطالعات آفریدی و همکاران (۲۰۱۷) همخوانی دارد. این امر می‌تواند ناشی از این مطلب باشد که در کشورهای گروه دوم، سازوکار انتخابات ابزاری ضعیف برای تدوین هنجارهای پاسخگویی

است که نه تنها فساد را کاهش نمی‌دهد، بلکه دولتمردان حاکم سعی می‌کنند با تغییر در ترکیب مخارج دولت در جهت حامی‌پروری و کسب رأی بیش‌تر گام بردارند تا بر نتیجه انتخابات به نفع خود تاثیر بگذارند.

اما تاثیر سال انتخابات بر فساد در کشورهای منتخب گروه اول منفی و معنادار است که با نتیجه آویز و همکاران (۲۰۱۸)، فراس و فینان (۲۰۱۱)، و کراوس و مندز (۲۰۰۹) همخوان است. شاید بتوان گفت در این‌گونه کشورها، به علت نهادینه شدن دموکراسی، قوانین انتخاباتی به‌گونه‌ای تدوین شده است که پاسخگویی سیاسی را به دنبال داشته باشد و بروز فساد توسط سیاستمداران حاکم با واکنش منفی رأی‌دهندگان مواجه می‌شود.

تاثیر ایدئولوژی دولت بر فساد در کشورهای منتخب گروه دوم مثبت و معنادار، اما در کشورهای منتخب گروه اول بی‌معناست. به نظر می‌رسد در کشورهای گروه دوم، به قدرت رسیدن احزاب چپ‌گرا سبب افزایش اندازه دولت، فرصت‌های بیش‌تری برای عرضه و تقاضای رانت و فساد فراهم می‌شود. اما در کشورهای گروه اول، که سیستم نظارت، کنترل و پاسخگویی آن قوی و دقیق است و می‌تواند فساد دولتمردان را کشف و مهار نماید، چپ‌گرایی یا راست‌گرایی حزب حاکم به خودی خود بر فساد تاثیری نداشته است.

تاثیر ائتلاف بر فساد در هر دو گروه از کشورهای منتخب منفی و معنادار است. هرچند احزاب در زمان انتخابات از ائتلاف به عنوان یک تاکتیک برای کسب رأی بیش‌تر و پیروزی بر رقیب یا رقبای مشترک استفاده می‌کنند، اما معمولاً ائتلاف به اتحادی استراتژیک و همه‌جانبه منجر نمی‌شود و با پایان انتخابات، اختلاف بین احزاب ائتلافی بر سر تسهیم قدرت بروز می‌یابد و در نقش سیستم نظارتی و خودکنترلی عمل می‌کند و امکان فساد را در دولت‌های ائتلافی کاهش می‌دهد.

تاثیر دولت اقلیت بر فساد در هر دو گروه از کشورهای منتخب منفی و معنادار است. شاید بتوان گفت، تصاحب کم‌تر از ۵۰ درصد از کل کرسی‌های مجلس توسط احزاب حامی دولت، امکان استفاده دولتمردان از منابع دولتی و عمومی را برای رسیدن به مقاصد سیاسی، انتخاباتی و شخصی کاهش داده است.

تاثیر درآمد سرانه بر فساد در هر دو گروه از کشورهای منتخب منفی و معنادار است که با نتیجه مطالعات لوسیک و همکاران (۲۰۱۶) و مهرگان و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد. افزایش درآمد سرانه و سطح برخورداری آحاد جامعه می‌تواند انگیزه را برای ارتکاب فساد در بدنه دولت و عموم مردم کاهش دهد.

تأثیر دولت الکترونیک بر فساد در هر دو گروه از کشورهای منتخب منفی و معنادار است که با نتیجه مطالعات لاپا و لازار (۲۰۱۵)، کامارا و هاندانگودا (۲۰۱۴)، و متفکر آزاد و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد. دولت الکترونیک به معنای اطلاع‌رسانی و ارائه خدمات به‌موقع، دقیق و کارا در همه ساعات شبانه‌روز از طریق وسایل ارتباطی شامل تلفن، تلفن ثابت، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است که به واسطه قطع ارتباط مستقیم‌گیرنده خدمت با ارائه‌کننده آن زمینه بسیاری از فسادهایی را که ممکن است در مواجهه افراد با یکدیگر بروز کند کاهش داده است. البته ضریب تخمینی این متغیر در کشورهای گروه دوم بزرگ‌تر بوده است.

تأثیر رانت منابع طبیعی بر فساد در کشورهای منتخب گروه دوم مثبت و معنادار است که با نتیجه مطالعات آرژکی و بروکر (۲۰۱۱)، بولته و دامانیا (۲۰۰۸)، لایت و ویدمن (۲۰۰۲)، و آدز و تیلا (۱۹۹۹) همخوانی دارد. به نظر می‌رسد ترکیب وفور منابع طبیعی ارزان‌قیمت و نظام حکمرانی ضعیف در این کشورها سبب شده است که عاملان اقتصادی انگیزه پیدا کنند از روش‌های غیرقانونی سهم بیشتری از این منابع را از آن خود کنند. اما تأثیر این متغیر بر فساد در کشورهای منتخب گروه اول فاقد معناداری آماری است.

تأثیر دموکراسی بر فساد در هر دو گروه از کشورهای منتخب منفی و معنادار است که با نتیجه مطالعات چتر و همکاران (۲۰۱۵)، کالن برن و لسمن (۲۰۱۳)، چارچیل و همکاران (۲۰۱۳)، و کراوس و مندز (۲۰۰۹) همخوانی دارد. اما ضریب تخمینی این متغیر در کشورهای گروه دوم بزرگ‌تر بوده است. شاید بتوان گفت، در این دسته از کشورها که سطح بالاتری از فساد را تجربه می‌کنند، دموکراسی در مراحل ابتدایی خود قرار دارد و تقویت و نهادینه‌سازی آن توانسته است تأثیر بیشتری بر کاهش فساد داشته باشد.

اثر متغیر وابسته باوقفه (فساد در سال قبل) بر فساد در هر دو گروه از کشورهای فوق مثبت و معنادار است که با مبانی نظری نیز همخوانی دارد. افزایش فساد در دوره قبل می‌تواند حاکی از وجود بستر مناسب برای رشد آن باشد که به تداوم و افزایش فساد در دوره بعد نیز می‌انجامد.

سهم پژوهش حاضر بررسی اثر چرخه‌های انتخاباتی بر فساد در کشورهای منتخب دموکراتیک با محوریت شاخص‌هایی نظیر چرخه‌های انتخاباتی مشتمل بر چهار زیرشاخص سال انتخابات، ایدئولوژی دولت، ائتلاف، و دولت اقلیت بوده است. با توجه به یافته‌های پژوهش و در جهت کاهش فساد، ضروری است کشورهای مختلف به کمک ابزارهایی مانند تدوین قوانین و مقررات شفاف، دقیق و مبتنی بر تجربه کشورهای موفق در زمینه انتخابات و نظارت بر اجرای آن و نیز استقرار دقیق، یکپارچه و کامل

دولت الکترونیک برای ارتقای شاخص «حق اظهار نظر و پاسخگویی» اقدام کنند و تا حدی از طریق استقلال بیش‌تر نهادهای پولی مانند بانک مرکزی، امکان سوء استفاده دولت‌مردان از منابع عمومی در جهت اهداف شخصی را به کمینه برسانند.

در اغلب کشورهای در حال توسعه، دولت‌مردان با سازوکاری غیر از برگزاری انتخابات تعیین می‌شوند و این موضوع انتخاب نمونه آماری با حجم مناسب را با محدودیت مواجه می‌سازد. به علاوه، آمارهای ثانویه مورد نیاز برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه دموکراتیک وجود ندارد که محدودیت فوق را دوچندان می‌کند. در این راستا، پیشنهاد می‌شود برای بررسی ابعاد گسترده‌تری از موضوع مورد بررسی، مدل پژوهش برای نمونه آماری جدید و دوره زمانی متفاوت تکرار شود تا از رهگذر مقایسه نتایج نسبت به نحوه تأثیرگذاری چرخه‌های انتخاباتی بر فساد اطمینان بیش‌تری حاصل شود.

اظهاریه قدردانی

از حمایت معنوی داوران ناشناس و ویراستار علمی (مازیار چابک) نشریه برنامه‌ریزی و بودجه نهایت تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

منابع

- الف) انگلیسی
- Ades, A., & Di Tella, R. (1999). Rents, Competition, and Corruption. *American Economic Review*, 89(4), 982-993. <https://doi.org/10.1257/aer.89.4.982>
- Afridi, F., Dhillon, A., & Solan, E. (2017). Electoral Competition and Corruption: Theory and Evidence from India. *Unpublished, March*, 8.
- Arellano, M., & Bond, S. (1991). Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations. *The Review of Economic Studies*, 58(2), 277-297. <https://doi.org/10.2307/2297968>
- Arezki, R., & Brückner, M. (2011). Oil Rents, Corruption, and State Stability: Evidence from Panel Data Regressions. *European Economic Review*, 55(7), 955-963. <https://doi.org/10.1016/j.euroecorev.2011.03.004>
- Arrow, K. J. (1951). *Social Choice and Individual Values*: Yale University Press.
- Avis, E., Ferraz, C., & Finan, F. (2018). Do Government Audits Reduce Corruption? Estimating the Impacts of Exposing Corrupt Politicians. *Journal of Political Economy*, 126(5), 1912-1964. <https://doi.org/10.1086/699209>
- Baltagi, B. H. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*: John Wiley & Sons Ltd.

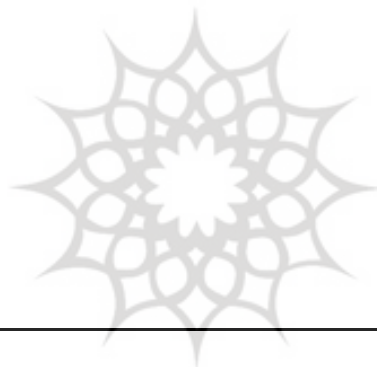
- Braun, M., & Di Tella, R. (2004). Inflation, Inflation Variability, and Corruption. *Economics & Politics*, 16(1), 77-100. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0343.2004.00132.x>
- Budge, I., Keman, H., & Woldendorp, J. (1993). Political Data 1945–1990. Party Government in 20 Democracies. *European Journal of Political Research*, 24(1), 1-119.
- Bulte, E., & Damania, R. (2008). Resources for Sale: Corruption, Democracy and the Natural Resource Curse. *The BE Journal of Economic Analysis & Policy*, 8(1), 1-30. <https://doi.org/10.2202/1935-1682.1890>
- Churchill, R. Q., Agbodohu, W., & Arhenful, P. (2013). Determining Factors Affecting Corruption: A Cross Country Analysis. *International Journal of Economics, Business and Finance*, 1(10), 275-285.
- Eicher, T., García-Peñalosa, C., & Van Ypersele, T. (2009). Education, Corruption, and the Distribution of Income. *Journal of Economic Growth*, 14(1), 205-231. <https://doi.org/10.1007/s10887-009-9043-0>
- Feizpour, M. A., & Ramezani, F. (2018). Government Size and Corruption Perception: Some Lessons for Iran from Worldwide Experiences. *Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies*, 5(20), 97-128. [In Farsi] <http://qjfeq.ir/article-1-538-fa.html>
- Ferraz, C., & Finan, F. (2011). Electoral Accountability and Corruption: Evidence from the Audits of Local Governments. *American Economic Review*, 101(4), 1274-1311. <https://doi.org/10.1257/aer.101.4.1274>
- Franzese Jr, R. J. (2000). Electoral and Partisan Manipulation of Public Debt in Developed Democracies, 1956–90. In *Institutions, Politics and Fiscal Policy* (pp. 61-83): Springer. https://doi.org/10.1007/978-1-4615-4555-2_3
- Goel, R. K., & Budak, J. (2006). Corruption in Transition Economies: Effects of Government Size, Country Size and Economic Reforms. *Journal of Economics and Finance*, 30(2), 240-250. <https://doi.org/10.1007/BF02761489>
- Hibbs, D. A. (1977). Political Parties and Macroeconomic Policy. *American Political Science Review*, 71(4), 1467-1487. <https://doi.org/10.2307/1961490>
- Jetter, M., Agudelo, A. M., & Hassan, A. R. (2015). The Effect of Democracy on Corruption: Income is Key. *World Development*, 74(1), 286-304. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2015.05.016>
- Kalenborn, C., & Lessmann, C. (2013). The Impact of Democracy and Press Freedom on Corruption: Conditionality Matters. *Journal of Policy Modeling*, 35(6), 857-886. <https://doi.org/10.1016/j.jpolmod.2013.02.009>
- Karimi, S., Gilak Hakim Abadi, M. T., & Nabati, Z. (2018). Financial Corruption and Women Employment in Selected Countries. *Women Studies*, 8(22), 65-81. [In Farsi] https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_2996.html?lang=en
- Kotera, G., Okada, K., & Samreth, S. (2010). A Study on the Relationship between Corruption and Government Size: The Role of Democracy. *Munich Personal RePEc Archive (MPRA) Paper No. 25015*.
- Krause, S., & Méndez, F. (2009). Corruption and Elections: An Empirical Study for a Cross-Section of Countries. *Economics & Politics*, 21(2), 179-200. <https://doi.org/10.1111/j.1468-0343.2008.00341.x>
- Kumara, A. S., & Handapangoda, W. S. (2014). Political Environment a Ground for Public Sector Corruption? Evidence from a Cross-Country Analysis. *Munich Personal RePEc*

- Archive (MPRA) Paper No. 54721.
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. (1999). The Quality of Government. *The Journal of Law, Economics, and Organization*, 15(1), 222-279. <https://doi.org/10.1093/jleo/15.1.222>
- Leite, M. C., & Weidmann, J. (1999). Does Mother Nature Corrupt? Natural Resources, Corruption, and Economic Growth: *International Monetary Fund, Working Paper, No. 99/85*. <https://doi.org/10.5089/9781451850734.001>
- Lupu, D., & Lazăr, C. G. (2015). Influence of E-Government on the Level of Corruption in Some EU and Non-EU States. *Procedia Economics and Finance*, 20, 365-371. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(15\)00085-4](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(15)00085-4)
- Mehregan, N., Sahabi, B., & Mohammadamini, M. (2015). The Impact of Information and Communication Technology Development Index (IDI) on Corruption in Middle-Income Countries. *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, 2(2), 43-60. [In Farsi] https://ecoj.tabrizu.ac.ir/article_4266.html?lang=en
- Moradi, E., Rahnama, A., & Heidarian, S. (2018). The Effect of Indicators of Good Governance on Corruption Control (Case Study: Middle East and South East Asia). *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 14(4), 151-182. [In Farsi] https://jqe.scu.ac.ir/article_13359.html?lang=en
- MotefakerAzad, M.A., Jameh Shoorani, Z., & Heideri Dad, Z. (2014). The Effect of E-Government on the Reduction of Economic Corruption in Islamic Countries Selected. *Economic Modelling*, 7(24), 37-51. [In Farsi] https://eco.firuzkuh.iau.ir/article_554921.html?lang=en
- Nordhaus, W. D. (1975). The Political Business Cycle. *The Review of Economic Studies*, 42(2), 169-190. <https://doi.org/10.2307/2296528>
- Potrafke, N. (2009). Did Globalization Restrict Partisan Politics? An Empirical Evaluation of Social Expenditures in a Panel of OECD Countries. *Public Choice*, 140(1), 105-124. <https://doi.org/10.1007/s11127-009-9414-2>
- Sandholtz, W., & Koetzle, W. (2000). Accounting for Corruption: Economic Structure, Democracy, and Trade. *International Studies Quarterly*, 44(1), 31-50. <https://doi.org/10.1111/0020-8833.00147>
- Shahabadi, A., Moradi, A., & Porkar, O. (2021). The Effects of Electoral Cycles on Government Effectiveness in the Selected Developed and Developing Countries. *Planning and Budgeting*, 25(4), 95-117. [In Farsi] <http://jpbud.ir/article-1-1946-fa.html>
- Shahabadi, A., Siyahvashi, S., & Omid, V. (2017). The Impact of Election Cycles on Inflation in Selected Developing and Developed Countries. *Planning and Budgeting*, 22(2), 137-156. [In Farsi] <http://jpbud.ir/article-1-1361-fa.html>
- Taghinejad, O. V., Bahrami, J., & Nasiri, H. (2015). Investigating the Impact of Globalization on the Decrease in Administrative Corruption in MENA Countries. *Strategic Studies of Public Policy*, 6(19), 237-262. [In Farsi] https://sspp.iranjournals.ir/article_14301.html?lang=en
- Transparency International (2012). *Corruption Perceptions Index*. <https://www.transparency.org/en/cpi/2012>
- Warren, M. E. (2004). What Does Corruption Mean in a Democracy? *American Journal of Political Science*, 48(2), 328-343. <https://doi.org/10.1111/j.0092-5853.2004.00073.x>

(ب) فارسی

- حسینمردی، هانیه (۱۳۹۰). *تأثیر جنسیت بر فساد مالی در کشورهای منتخب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران.
- حیدری، حسن؛ جهانگیرزاده، جواد، و سعیدپور، لسیان (۱۳۹۴). *تأثیر اندازه دولت و دموکراسی بر فساد در کشورهای عضو اوپک*. *نشریه مجلس و راهبرد*، ۲۲(۸۱)، ۲۱۱-۱۸۷.
- دل‌انگیزان، سهراب؛ شریفی کریمی، محمد، و خالوندی، زینب (۱۳۹۲). *تأثیر شاخص درک فساد مالی بر رشد اقتصادی بر اساس تفکیک بین‌کشوری در حوزه آزادی اقتصاد با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)*. *نشریه اقتصاد مالی*، ۷(۲۴)، ۱۸۶-۱۶۱.
- قاهر دوست، علیرضا؛ یزدانی، حمیدرضا، و ناصرزاده، سیدمحمد رضا (۱۳۹۴). *بررسی چگونگی تأثیر حقوق و دستمزد بر کاهش فساد اداری و مالی*. *نشریه مطالعات منابع انسانی*، ۵(۱)، ۸۵-۱۰۸.
- معین، محمد (۱۳۸۵). *فرهنگ فارسی (شش جلدی)*. چاپ دهم، انتشارات امیرکبیر.



**نحوه ارجاع به مقاله:**

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ پوران، رقیه؛ مرادی، علی، و برجعلی‌زاده، علی (۱۴۰۲). تأثیر چرخه‌های انتخاباتی بر فساد در کشورهای منتخب. نشریه برنامه‌ریزی و بودجه، ۲۸(۱)، ۱۴۴-۱۲۳.

Shahabadi, A., Pوران, R., Moradi, A., & BorjaliZadeh, A. (2023). The Effects of Electoral Cycles on Corruption in Selected Countries. *Planning and Budgeting*, 28(1), 123-144.

DOI: <https://doi.org/10.52547/jpbud.28.1.123>

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Planning and Budgeting. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

